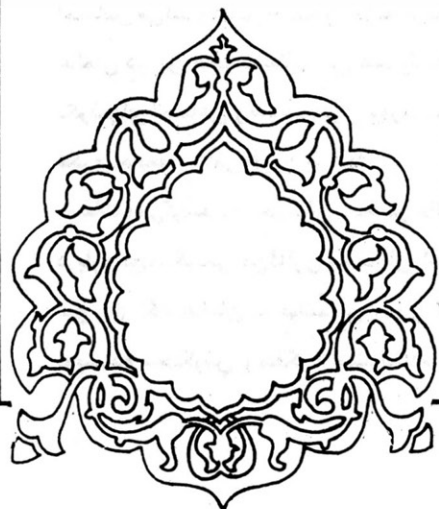




گفتگو



مصاحبه با استاد جعفر سبحانی

پیش درآمد:

حج‌گزاری، سفری است سرشار از خاطره‌ها، آموزه‌ها و احساسهایی مانند ناپذیر. راهیان حریم دوست در آن دیار - در مدینه و مکه - در فضایی آکنده از معنویت قرار می‌گیرند و دهها جریان تاریخی و خاطره شکوهمند تاریخ پیامبر - ص - و پیشوایان دین در جانشان زنده می‌شود. زائر آن دیار قدس در کنار کعبه - این خانه‌ی همواره استوار بر معبر تاریخ - یاد خدا را با همه وجود احساس می‌کند و عشق به الله را زمزمه می‌نماید.

عالمان در این هجرت عظیم این همه را، دارند و دیدگاههای فرهنگی، اقتراحهای علمی، نگرشهای اجتماعی و سیاسی برای بهزیستی امت و سامان یابی هر چه بیشتر حیات سیاسی و فکری جامعه اسلامی افزون بر آنها.

«میقات» می‌کوشد - در حد توان - محضر عالمان را در این باره مفتاح شمارد و مباحث و مطالبی درباره حج، چگونگی حج‌گزاری مسلمانان، اهمیت حج و پیشنهادهای برای هر چه بهتر برگزار شدن حج را از نگاه عالمان به خوانندگان ارمغان کند. این شماره گفتگویی است با استاد محقق، نویسنده سختکوش و متفکر ارجمند اسلامی حضرت آیه‌الله سبحانی:

از اینکه وقت گرانبهای خویش را در اختیار ما گذاشتید سپاسگزاریم.
 س - لطفاً بفرمایید حضر تعالی در نخستین سفری که به حج مشرف شدید چه احساسی داشتید.

ج - نخستین سفر اینجانب در سال ۱۳۳۵ هجری شمسی بود و من مانند همه زائران خانه خدا، برای خود احساس یا احساساتی داشتم. در میان آنها همین را یادآور می‌شوم که حج آن سال را - که برای اولین بار اجتماع نژادهای مختلف را از نقاط دور دست جهان می‌دیدم - یک نوع کنگره جهانی مسلمانان تلقی کردم؛ زیرا آیین اسلام آیین جهانی و ابدی است و چنین آیینی برای خود کنگره سالانه لازم دارد و بهترین مرکز آن مکه مکرمه و اجتماع مسلمانان از نقاط مختلف جهان در آنجا می‌باشد. حالا این کنگره سالانه واقعاً اثر مثبتی داشت یا نه فعلاً درباره آن سخنی نمی‌گویم.

س - به نظر شما حج در اسلام چه جایگاهی دارد؟

ج - درباره جایگاه حج در اسلام کافی است کمی درباره این آیه ببیندیشیم، که می‌فرماید:
 «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَاماً لِلنَّاسِ»^۱

مفسران در تفسیر این آیه یادآور می‌شوند که مقصود خدا این است که خدا کعبه را مایه نشاط مردم در امور مربوط به دین و دنیا قرار داده و سبب جهش آنان به سوی اهداف و مقاصد مادی و معنوی آنهاست.^۲

مفسر بزرگ مرحوم طبرسی می‌گوید: حج مایه برپایی حیات مردم و تجارت آنهاست و به وسیله حج زندگانی آنان تأمین می‌شود و انواع برکت نازل می‌گردد.^۳

و اگر ما بخواهیم این جمله را به زبان فارسی برگردانیم، باید بگوییم که حج مایه قوام زندگی مسلمانان است. و مقصود از زندگی، اعم از جهات مادی و معنوی است. بنابراین باید حج تأمین کننده کلیه نیازهای مسلمین باشد و در این گردهم‌آیی علاوه بر تبادل اطلاعات، به یکدیگر کمک کنند و جامعه اسلامی را با نقشه‌های صحیح از هر نوع هجوم بیگانه مصون بدارند. کسانی که علاقمندند حج را به عنوان یک فریضة دینی محض، مجرد از اغراض بزرگ سیاسی مطرح کنند، به این آیه توجه نکرده و درباره آن درست نیندیشیده‌اند.

زائران خانه خدا و بالأخص اندیشمندان که از هر نقطه با کوله‌باری از اطلاعات و مشکلاتی وارد این مرکز می‌شوند، باید پیش از برگزاری مراسم حج یا پس از آن، در کنفرانسها و سمینارهای مختلف شرکت کنند و در خط مشی اقتصادی، سیاسی و نظامی به مسلمانان فکر کنند و عملاً ثابت

کنند که حج مایهٔ قوام زندگی است. و زندگی حقیقی بر این اجتماع سنگینی می‌کند. از این رو در روایت آمده است که: اگر مسلمانان آن را ترک کنند مهلت داده نمی‌شوند.^۴

س - چه بهره‌هایی از سفر حج می‌توان گرفت؟

ج - سفر حج یک سفر روحانی، عبادی و سیاسی است. می‌توان در آن سفر بهره‌های فردی و اجتماعی گرفت. اگر به زندگی پیامبر - ص - نظر بیافکنیم، می‌بینیم که آن حضرت از ماههای حرام و از این اجتماع انبوه بهرهٔ بزرگی می‌برد. او در همان ایام با سران قبایل که به زیارت خانهٔ خدا آمده بودند تماس می‌گرفت و آیین خود را بر آنها عرضه می‌کرد و گرایش آنها را به آیین خود جلب می‌نمود. حتی مقدمات سفر آن حضرت به یثرب در همان مکه پی‌ریزی شد. هنگامی که سرانی از اوس و خزرج با او تماس گرفتند و از حقیقت آیین او آگاه شدند، به آیین او گرویده و سال بعد شش نماینده مبدل به ۷۲ نماینده از یثرب شد که مقدمات مسافرت حضرت را به مدینه فراهم ساخت.

از پیامبر اکرم - ص - که بگذریم سالار شهیدان حضرت حسین بن علی - علیه‌السلام - در منی از اجتماع صحابه و تابعین بهره گرفت و آن کنگره را به معنای واقعی تشکیل داد و در یک سخنرانی جامع، حاکم زمان را استیضاح کرد و فرمود: شما پس از تفرق از این منطقه پیامهای مرا به دیگر مسلمانان برسانید و سخنرانی حضرت در منی در یک اجتماع با شکوه هشتصد نفری بود که اعضای آنها را صحابه و تابعین تشکیل می‌داد و در تاریخ معروف است و سخنان آن حضرت ضبط شده است.

فرزدق از آن اجتماع انبوه بهره گرفت و امام سجاد - علیه‌السلام - را معرفی کرد و اشعار او در آن زمان تأثیر مهمی داشت.

متون تاریخ حاکی است که نطفهٔ انقلابها و پرخاشگریها بر حاکمان جائر، در خود مکه بسته شده و از همانجا رهبری می‌شد.

در عصر ائمه - علیهم‌السلام - شناخت امام به وسیله همین اجتماع انجام می‌گرفت و شیعیان از طریق پرسش و تماس با نزدیکان امامی که از جهان رفته، امام بعدی را می‌شناختند.

اکنون باید از این اجتماع میلیونی که واقعاً نمایندگان مسلمانان جهان در آنجا گرد می‌آیند بهرهٔ بزرگتری گرفت ولی متأسفانه این نوع بهره‌گیری که خط آن را نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران اخیراً ترسیم کرده است با مشکلاتی روبرو می‌باشد.

س - چه تغییر و تحولی در اماکن و مواقع حج صورت گرفته است؟ لطفاً توضیح فرمایید.

ج - همانطور که یادآور شدم، نخستین سفر من به زیارت خانه خدا در سال ۱۳۳۵ بود بعدها که بطور مکرر به زیارت این مواقع و مشاهد مشرف شده‌ام، دگرگونی عجیبی در آثار اسلامی مشاهده کرده‌ام و باید آن را یک نوع تراژدی و سوگنامه بنامم و آن این که امروز تحت پوشش توسعه مسجدالنبی و مسجدالحرام، کلیه آثار اسلامی که حاکی از اصالت این دین است، به دست کلنگ ویرانگران سپرده شده و چیزی از آثار باقی نمانده است. اگرچه از هفتاد سال قبل به تخریب قباب ائمه بقیع و دیگر مراکز پرداخته‌اند، اما قسمتی از آثار که در نظر آنها شرک نبود تا اواخر باقی مانده بود؛ مانند مولد النبى در مکه و خانه بنی‌هاشم در مدینه و مدرسه امام صادق در محله بنی‌هاشم و غیره. اینها بناهایی بودند که اینجانب کراراً آنها را زیارت کرده و تبرک بسته بودم، اما اخیراً تحت عنوان «توسعه!» همه اینها نابود شده و به صورت مصلی درآمده است.

کسی مخالف با توسعه مسجد نیست. مسلماً آن ابنیه گذشته مسجدین، برای مسلمانان امروز پاسخگو نیست ولی در عین حال می‌توان میان این دو هدف (توسعه مسجد و حفظ آثار و اصالتها) جمع کرد.

در اینجا نکته‌ای را یادآور می‌شوم و آن این که آیین مسیح - ع - امروز در جهان غرب به صورت افسانه‌ای درآمده؛ زیرا اثر ملموسی از مسیح در دست نیست. نه قبر خود و نه مادرش و نه حواریین معین نیست و کتاب او نیز دستخوش تحریف گشته و چهار انجیل رسمی به ضمیمه ۲۰ انجیل غیر رسمی به وی منتسب است. امروز جوانان غرب به این آیین از دیده تردید می‌نگرند و با خود می‌گویند آیا واقعاً مسیحی، مریمی، دعوتی و حواریینی وجود داشته است؟ یا همگی شبیه افسانه لیلی و مجنون و شیرین و فرهاد است که مرور زمان آنها را ساخته و به عنوان دین بر ما تحمیل کرده است؟! و به حق جا دارد که آنان به چنین آیینی از دیده تردید بنگرند؛ زیرا هیچ نوع اصالت و آثاری از آنها در دست نیست و اگر قرآن ما از چنین پیامبر و زندگانی او گزارش نمی‌کرد ما نیز در وادی حیران بسر می‌بردیم. ولی افتخار مسلمانان این است که آثار باقی مانده از پیامبر را عیناً و کتباً حفظ کرده‌اند و به جهانیان می‌گویند: هان! ای مردم، متجاوز از چهارده قرن قبل شخصیتی والا از میان قریش و از بیت بنی‌هاشم مدعی نبوت شد که اینجا زادگاه او است و این نقطه مرکز نزول وحی به او است. این منطقه آرامگاه یاران او است و در اینجا فرزندان و همسران او به خاک سپرده شده‌اند و در اینجا نبردهای خونین موحدان با مشرکان انجام گرفته است و این نامه‌های تبلیغی او و لباسها و تار موی او است. و اگر بنا باشد تمام این آثار را به دست تخریب بسپاریم و تحت عنوان «مبارزه با شرک!» یا به

عنوان «توسعه مسجد!» همه را نابود کنیم چیزی نمی‌گذرد که برای نسلهای آینده، اسلام و دعوت پیامبر، همان رنگ را می‌گیرد که آیین کنونی مسیح گرفته است.

در اهمیت این مسأله همین بس که مسلمانان تا دیروز خانه میزبان او (ابوایوب انصاری) را به همان شکل حفظ کرده، حتی قبر پدر او را در شهر مدینه محفوظ نگهداشته بودند. ولی متأسفانه هر دو با کلنگ وهابیت با خاک یکسان شد و قبر عبدالله در میان مصلی قرار گرفته و از خانه میزبان پیامبر اثری نیست. شما اگر وارد شهر پاریس شوید خواهید دید که دروازه کهن این شهر که مربوط به پانصد سال پیش است، محفوظ مانده و آن را نشانه اصالت و تمدن دیرینه خود می‌دانند.

باید عرض کنم که نظام وهابی نسبت به سایر آثار باستانی حجاز، نظر سوئی ندارد و از آنها حمایت می‌کند و حتی قلعه‌های خیبر در مسیر تبوک به مدینه، تحت عنوان آثار باستانی محفوظ است و آنها را با شرک مباین تلقی نکرده و لوحه‌هایی بر نقاط مختلف قلعه‌های یهودیان در خیبر و غیر خیبر منصوب است.

ما در اینجا به سران سلفی‌های موجود در حجاز پیشنهاد می‌کنیم که سمینار بزرگی تشکیل دهند و از همه علمای اسلام دعوت کنند که خود یا نمایندگان آنها در این سمینار شرکت کنند و حدّ توحید و شرک را در پرتو آیات قرآنی و احادیث پیامبر و نقطه‌نظرهای سلف صالح بررسی کنند، شاید از این طریق آب از جوی بیرون رفته بار دیگر به جوی برگردد.

س - اوج عظمت حج در کدامیک از اعمال آن دیده می‌شود؟

ج - اعمال حج همگی از عظمت برخوردار است و نمی‌توان یکی را فاقد عظمت دید. ولی آنجا که معنویت تجلی بیشتر می‌کند صحرای عرفات است؛ زیرا یک نوع خاموشی توأم با معنویت و ذکر و دعا بر زائران حاکم است. بخصوص آنگاه که نماز ظهر اقامه می‌گردد و پس از آن دعای عرفه سالار شهیدان در میان انبوهی از زائران در نقاط مختلف تلاوت می‌شود. معانی تکان دهنده آن دعا آن چنان به دلها جلا می‌دهد که افراد آماده را به پرواز در ملکوت درمی‌آورد. در این حال گروهی را می‌بینی که در دامنه جبل الرحمه مشغول راز و نیازند. این حالت معنویت در دیگر مواقع کمتر به چشم می‌خورد.

س - حضر تعالی وقتی به میقات رسیدید بخصوص هنگام احرام چه احساسی داشتید.

ج - الآن نمی‌توانم به صورت قطع از آن احساس یاد کنم. گویا دارای چنین احساسی بودم که

از یک زندگی دست شسته، وارد زندگی دیگر می شوم و کلیه علایق خود را از گذشته بریده و در زندگی فقط به دو جامه سفید اکتفا می کنم، توگویی نمونه ای از حضور در محشر است که فقط با دو جامه به سوی حساب و کتاب روانه می شوند.

س - هنگام ورود به مسجدالنبی و مسجدالحرام چه احساسی داشتید؟

ج - به هنگام ورود به مسجدالنبی عظمت مسجد و ساختمان آن، مرا غرق در اعجاب کرد؛ ساختمانی که از دوران عثمانی ها باقی مانده و بعدها نیز مرمت شده است. مرحله بعد چشمم به مرقد مقدس خاتم پیامبران - ص - افتاد که به شکل خاصی محفوظ مانده و اطراف آن، بیت فاطمه - علیها السلام - نیز به شکل سابق نگهداری شده است. مرحله بعد چشمم به محراب پیامبر افتاد که امروز با دقیق ترین اندازه گیریها نمی توان در آن خدشه ای ایجاد کرد. درست محاذی کعبه است. و در آن زمان پیامبر گرامی با الهام از عالم وحی از بیت المقدس رو به کعبه توجه کرده و به نحوی ایستاده است که صد درصد محاذی کعبه می باشد. در مراحل بعد خاطرم آمد این مسجد پایگاه علمی و سیاسی و اقتصادی مسلمانان در عصر پیامبر و پس از او بود و در همین مسجد وحی نازل می شد و پروانه های شمع هدایت پشت سر حضرتش نماز می گزاردند ولی در عین حال این نشاط و شادابی توأم با انکار روحی گشت، آنگاه که خاطرم آمد بیت زهرا که متصل به مسجد بود مورد هتک و جسارت قرار گرفته که تاریخ بازگوکننده آن است.

به هنگام ورود به مسجدالحرام جمله ای را که زائران خانه خدا می گویند تکان عجیبی به انسان می دهد، آنجا که می گویند: «الهی البیت بیتک و انا ضیفک».

س - زائران خانه خدا علاقه خاصی به زیارت مزار شریف بقیع بخصوص ائمه اربعه

دارند، حضرت عالی وقتی موفق به زیارت آن بزرگواران می شوید چه احساسی پیدا می کنید؟

ج - خداوند در قرآن بیوتی را رفیع شمرده و مردم را به تکریم آن بیوت دعوت کرده است. آنجا که می فرماید:

«فِي بُيُوتٍ أُذِّنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ»^۵.

این بیوت رفیع که باید در تکریم آنها کوشید، غیر از مساجد است. اصولاً در قرآن «مسجد»

داریم و «بیت» درباره مسجد می گوید:

«لِمَسْجِدٍ اسْتَسَى عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ»^۶.

در حالی که درباره بیوت می‌گوید:

«لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُر بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِّنْ فِصَّةٍ»^۷

بنابر این نباید بیوت را به مسجد تفسیر کرد، حتی پس از نزول این آیه، ابی بکر در حالی که به خانه فاطمه - سلام الله علیها - اشاره می‌کرد از پیامبر پرسید: آیا این خانه هم از همین بیوت رفیع است؟ پیامبر - ص - در پاسخ فرمود: «نعم من افاضلها»؛ «این خانه از برترین آنها است».

پس اگر مدفن ائمه اهل بیت، خانه‌های آنها باشد، باید تحت عنوان این آیه، از آنها احترام کرد و اگر در غیر خانه‌های خود به خاک سپرده شده باشند زیارت آنان مشمول روایات زیارت است که پیامبر فرمود: «زوروا القبور فانها تذكركم الآخرة».

علاوه بر این، حضور در مراقد ائمه بقیع، یک نوع تقدیر و احترام گذاری از شخصیت آنها است. و درود بر آنها درود بر والاترین انسانها است که نمونه‌های آن در قرآن وارد شده است. چنانکه می‌فرماید:

«قل الحمد لله و سلام علی عباده الذین اصطفی»^۸

و نیز می‌فرماید:

«سلام علی نوح فی العالمین، سلام علی ابراهیم، سلام علی موسی و هرون، سلام علی

إلی یاسین»^۹.

و اگر ما در میان درود، به ذکر اوصاف و کمالات آنان برمی‌خیزیم در این قسمت، از قرآن پیروی کرده‌ایم که مردان الهی را با صفات برجسته یاد می‌کند چنانکه می‌فرماید:

«انهم کانوا یسارعون فی الخیرات و یدعوننا رغباً و رهباً»^{۱۰}.

و اگر آنان را بریاداران نماز و عطاکنندگان زکات توصیف می‌کنیم در این قسمت نیز از قرآن پیروی می‌کنیم که گروهی را به این صفت یاد کرده است:

«و کان یأمر أهله بالصلوة و الزکوة و کان عند ربّه مرضیاً»^{۱۱}.

و نیز می‌فرماید:

«رجال لا تلهیهم تجارة و لا بیع عن ذکر الله و اقام الصلوة و ایتاء الزکوة»^{۱۲}.

کلیه زیارتنامه‌های پیشوایان اسلام یا درود به روان آنها است یا توصیف زندگی آنان، به نحوی که بیان شد. و خود قرآن این کار را درباره دیگران انجام داده است.

کتاب آسمانی برای ما اسوه است و نباید از آن کنار برویم، اگر خدا بر چنین شخصیت‌هایی درود می‌فرستد و یا به توصیف زندگی آنان می‌پردازد، چه مانعی دارد ما نیز به آنان درود بفرستیم و آنها را

به همان نحو توصیف کنیم.

قرآن بیت علی و فرزندان او را چنین توصیف می‌کند:

«یوفون بالنذر و یخافون یوماً کان شَرُّهُ مستطیراً و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیمأ و اسیرأ انما نطعمکم لوجه الله لانرید منکم جزاء ولاشکورأ».^{۱۳}

حالا اگر یک زائر الهی در کنار قبر حسن بن علی و یا حسین بن علی - علیهما السلام - بایستد و بگوید: من گواهی می‌دهم که شما به نذر خود عمل می‌کردید و از روز قیامت بیم داشتید و غذا را در حالی که خود به آن علاقه و نیاز داشتید به مسکین و یتیم و اسیر دادید و گفتید ما به خاطر خدا شما را اطعام می‌کنیم و از شما پاداش و سپاس نمی‌خواهیم. اگر این جمله‌ها را بگوییم؛ چرا باید آن را شرک تلقی کنیم؟

س - حج قبل از انقلاب و حج پس از انقلاب چه تفاوتی پیدا کرده است؟

ج - تفاوت این دو حج مانند تفاوت ایران قبل از انقلاب و ایران بعد از انقلاب است. البته این تفاوت در میان زائران ایرانی بیشتر به چشم می‌خورد ولی به نحوی در زائران دیگر کشورها نیز اثر گذارده و خواهد گذاشت.

از جمله تفاوتها این است که آن روزها جمعیت زائر از ایران بسیار محدود بود و افراد با زحمت می‌توانستند گذرنامه بگیرند. به خاطر دارم که سالی از مصر به زیارت خانه خدا مشرف شدم، دیدم که از ایران حتی پیش از شروع ماه مبارک رمضان عده‌ای عازم حج شده‌اند. آنان اظهار می‌داشتند که در ایام حج به ما گذرنامه نمی‌دهند و ما بناچار با گذرنامه بین‌المللی به حج آمده‌ایم.

حج امروز به لحاظ معنوی نیز تفاوت زیادی با حج قبل از انقلاب دارد. حج در آن روزها بیشتر یک نوع رقابت در بهتر پوشیدن، بهتر غذا خوردن و... بود. کاروانها مختلف بودند، افرادی با کاروانهای متمکن و اشخاصی با کاروانهای غیر متمکن می‌آمدند. توجه به مسائل معنوی بسیار کم بود. زائران ایرانی را می‌دیدید که نیم ساعت قبل از مغرب و یا ظهر مسجد را ترک می‌کردند! و این بسیار زشت بود و ما نمی‌توانستیم این صحنه را توجیه کنیم. ولی بعد از انقلاب ما شاهد تحوّل بسیار ارزشمندی هستیم، امروز بیشتر مردم به آداب و وظایف خود آشنا شده‌اند. امروز روحانیان و معینهایی برای کاروانها انتخاب شده‌اند که برای زائران، مناسک و اسرار حج را می‌گویند و آنان را به وظایف خود آشنا می‌کنند.

کاروانها حالت یکنواختی پیدا کرده است و انشاءالله روزی برسد که هیچ نوع تفاوتی بین

کاروانها نباشد و خلاصه فعالیتهای زیادی برای بهتر برگزار شدن حج شده و می شود که جداً قبل تقدیر است.

س - به نظر جناب عالی پیرامون کدامیک از موضوعات حج باید بیشتر کار شود؟

ج - باید به مردم تفهیم شود که حج یک عمل فردی نیست و زائران ما باید بدانند که آنها نمایندگان جمهوری اسلامی ایران هستند در دیار وحی. ادب، اخلاق، تمیزی و نظم آنها معرفت فرهنگ تشیع است. زائران باید بدانند که آنچه در حج انجام می دهند، نه تنها بیانگر شخصیت خود آنها است که مبتنی شخصیت کشور آنها در جهان است. امروز کشور ما در جهان به عنوان پایگاه اسلام مطرح است. ما باید به زائران تفهیم کنیم که امروز ما ایرانی ها در بین مسلمانان جهان، موقعیتی بس عظیم داریم، مبدا خدای ناکرده قدر خودمان را نشناسیم و مبدا به جای پرکردن صفهای نماز جماعت و زیارت اماکن مقدس، مسابقه در خرید جنس و سوغاتی بدهیم؛ بگونه ای که بازار آنها قائم به ما باشد و ما را به خاطر آن بخواهند و...

س - به نظر حضرت عالی چگونه می شود با ملت های مسلمان ارتباط برقرار کرد؟

ج - از آنجا که زائران خانه خدا بیشتر از کشورهای عربی هستند و تعدادی هم از کشورهای شرق آسیا، ما باید برنامه ریزی درستی کرده و افرادی فهمیده و جا افتاده ای را که از لحاظ علمی و آشنایی به زبان قوی هستند، برگزینیم تا آنها با مسؤولین و عالمان کاروانهای دیگر کشورها ارتباط برقرار کرده و کار فرهنگی انجام دهند و دو مطلب را - بخصوص - به آنان تفهیم کنند:

۱ - این که ملت مسلمان نیاز به وحدت اسلامی دارند و این نیاز در هیچ زمانی مثل حالا احساس نمی شده است. امروز شما شاهدید که تنها در کشورهای اسلامی جنگ وجود دارد. افغانستانی که روزی در برابر الحاد و بی دینی و کمونیسم ایستاده بود، الآن به جان هم افتاده اند، به دست خود خانه های خود را بر سر خودشان خراب می کنند. در آذربایجان جنگ است، در بوسنی و هرزگوین جنگ است. در فلسطین جنگ است و... آیا اینها مشکل جهان اسلام نیست؟ چطور شده که جنگ از همه جای دنیا جمع شده و به کشورهای اسلامی آمده است؟! دشمنان اسلام می خواهند این بیداری را خفه کنند.

مرحوم کاشف الغطا سخنی را که آن روز گفت: «بُنی الإسلام علی دعامتین کلمة التوحید و توحید الکلمة» بهترین وقتش امروز است که باید تحقق یابد.

اختلاف در مسائل دیگر نباید به وحدت ما ضربه بزند، مشترکات ما اصول است و اختلاف در احکام همیشه هست.

آقای دکتر فتحی دُرینی - که از فقهای سوریه است و الآن ساکن اردن می باشد و ۹ جلد فقه مقارن و مقارن دارد روزی به من گفت: «انّ اختلاف بین الفقهاء السنة اکثر من الإختلاف بین السنة و الشيعة!»

۲ - مطلب دیگری را که باید به آنها بگوییم این است که وحدت تنها با شعار و فریاد: یا ایها المسلمون هلمّوا، اتّحدوا و اجتمعوا درست نمی شود. ما باید نسبت به همدیگر شناخت پیدا کنیم و به دیدگاههای یکدیگر آشنا شویم. شناخت آنها نسبت به شیعه بسیار کم و اندک است.

جا دارد این خاطره را بگویم که من در یکی از سالها به حج مشرف شده بودم که در آنجا خانه‌ای را اجاره کردیم و میزبان ما قاضی مالکی و از قضات مکه بود. روزی با هم دیداری داشتیم که او از من پرسید: شیعه کتابی هم دارد؟! یک نفر عالم قاضی امّ القرئ نسبت به شیعه چنین شناختی دارد! خوشبختانه شیعه هر چه شناخته تر شود، واقعیتش روشنتر می گردد، در نتیجه علاقمندان به اتحاد بیشتر می شود.

س - حضرت استاد! آیا توصیه‌ای هم نسبت شرکت زائران در نماز جماعت‌های اهل سنت دارید؟

ج - من خودم مقید هستم که شرکت کنم و همواره شرکت می کنم. باید بگویم که شرکت نکردن در نماز جماعت‌های آنجا ضربه زدن بر تشیع است. بسیاری از مسلمانان از ما می پرسند که چرا شما در اول وقت نماز نمی خوانید؟ و چرا در مسجد نماز نمی خوانید و...

یادم هست که قبل از انقلاب روزی رئیس کتابخانه مدینه به من گفت: شما با ما نماز بخوانید اگر به دلتان ننشست، بعداً اعاده کنید.

بزرگترین خدمت امام - قدس سرّه الشریف - در حج این بود که واجب کرد ما با آنها نماز بخوانیم و وحدت خودمان را با آنها به نمایش بگذاریم. اگر ائمه - علیهم السلام - امروز بودند به یقین بدانید که در این نماز شرکت می کردند.

س - آخرین سؤال این که وقتی زائر خانه خدا وارد حرم می شود و در آنجا حال خاصی پیدا می کند، چه چیز از خداوند طلب کند؟

ج - قبل از هر چیز انسان از خداوند حسن عاقبت بخواهد که این بسیار مهم است. چه بسیار افرادی بودند که در دوران جوانی سعادتمند بودند و بعد امتحان خوبی ندادند. از نظر فردی این بهترین دعا است. و اما از نظر جمع، باید همگی، عظمت و پیروزی اسلام را طلب کنند و از خدا بخواهند که توفیق آمادگی امت اسلامی برای ظهور حضرت ولی عصر - عج - را بر مسلمانان عنایت فرماید که این آمادگی، سبب حل مشکلات می شود.

پی نوشتها:

- ۱ - مانند: ۹۷.
- ۲ - کشف، ج ۱، ص ۴۸۵، طبع مصر؛ عبارت او چنین است: «ان تعاش لهم فی امر دینهم و دنیاهم و نهوضاً الی اقراضهم و مقاصدهم فی معاشهم و معادهم.»
- ۳ - مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۴۷.
- ۴ - لوترکوهم لم یُنظَرُوا.
- ۵ - نور: ۳۶.
- ۶ - توبه: ۱۰۸.
- ۷ - زخرف: ۳۴.
- ۸ - نمل: ۵۹.
- ۹ - صافات: آیةهای ۷۹، ۱۰۹، ۱۲۰، ۱۳۰.
- ۱۰ - انبیاء: ۹۰.
- ۱۱ - کهف: ۵۵.
- ۱۲ - نور: ۳۷.
- ۱۳ - انسان آیةهای ۹ - ۷.